

سناریوی رقیب‌هراسی

۱۰ دقیقه (زمان تخمینی مطالعه این متن)

▼ **اشاره:** یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در انتخابات، توانایی کنترل و مدیریت افکار عمومی است. بطوری که در رقابت‌های انتخاباتی، هر شخص یا گروهی که بتواند کنترل افکار عمومی را در دست بگیرد، بدون شک خواهد توانست نام نامزد مورد علاقه خود را به عنوان برنده انتخابات، از درون صندوق‌های رأی بیرون آورد و به همین دلیل است که از ماه‌های مانده تا انتخابات، شگردهای مختلف برای اثرگذاری بر افکار رأی‌دهندگان طراحی می‌شود. ادوار انتخابات گذشته، نشان داده است شگردهای عملیات روانی چه از سوی دشمن و چه از سوی جریان‌های سیاسی رقیب، در انتخابات ایران از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار است که شناخت آنها نیازمند هوشمندی، بصیرت و تیزبینی است.

□ **کلیدواژه:** انتخابات؛ سناریوی رقیب‌هراسی؛ رقیب‌هراسی؛ رسانه؛ افکار عمومی؛ فضای مجازی

□ راهبرد رقیب‌هراسی

یکی از راهبردهای عملیات روانی و البته مذمومی که برخی جریان‌های سیاسی به ویژه «جریان‌های غیرانقلابی غرب‌گرا» در طول ادوار انتخابات گذشته از آن استفاده کرده‌اند، «رقیب‌هراسی» - یعنی تخریب رقبای سیاسی با بزرگ‌نمایی خطر به قدرت رسیدن رقیب - است. در مقام تمثیل، رقیب‌هراسی، به مثابه سایه‌بازی است. اینکه در یک اتاق تاریک، انگشتان خود را جلوی نور شمعی به گونه‌ای قرار دهیم که سایه‌ای بزرگ به شکل حیوانی درنده روی دیوار بیفتد. آنهایی که حافظه تاریخی قوی دارند موارد متعددی از شگرد رقیب‌هراسی را می‌توانند به یاد آورند. مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶، اولین اقدام رسانه‌ای در راستای رقیب‌هراسی،

این بود که از عوامل هراس افکنی و ترساندن استفاده شد و به بخش مهمی از افکار عمومی چنین القاء کردند که اگر فلان فرد رأی بیاورد، اتفاقات نامطلوبی در کشور رخ می‌دهد؛ و اگر فرد دیگری بیاید، مشکلات دیگری به وجود می‌آید؛ و در ادامه، با برچسب زدن و تخریب چهره رقبا و معرفی کردن ایشان به عنوان چهره‌هایی خشونت طلب، مُتصلّب و اقتدارگرا و به کارگیری تعبیری چون سردار گزنبری، آیت الله قتل عام، حامیان دولت پادگانی، طرفداران دیوارکشی در پیاده‌روها، دلار پنج هزار تومانی، اقتصاد و نزوئالیی و... سناریوی رقیب‌هراسی را به کرات به کار بردند.

این سناریو در این دوره از انتخابات نیز کلید خورده و برخی رسانه‌ها علیه نامزدهای احتمالی رقیب، اقدامات تخریبی انجام می‌دهند. جالب آنکه همسوبا این رسانه‌ها، رسانه‌های بیگانه نیز فعال شده و همان خط را با ادبیات رادیکال‌تر خود دنبال می‌کنند! به عنوان مثال، ساخت دوگانه‌های دروغین و ترساندن مردم برای آدرس دهی غلط با انگیزه‌های سیاسی از اصطلاحاً هنرهای منحصر به فرد جریان غیرانقلابی غرب گراست. متأسفانه این جریان مهارت عجیبی در رقیب‌هراسی، انکار افتخارات ملی و ایجاد ذهنیت منفی درباره دستاوردهای اقتدار آفرین و امنیت بخش کشور دارد.

■ ایجاد دو قطبی‌های کاذب

مثلاً یکی از عوامل اصلی اقتدار کشور که نقش مهمی در تعیین منافع ملی و به خصوص امنیت ملی دارد، "اقتدار موشکی" است. به طور حتم برخورداری جمهوری اسلامی از اقتدار موشکی، مایه افتخار هر ایرانی و موجب آسودگی خاطر ملت برای تأمین امنیت ملی در برابر هر نوع تهدید است. اما همین عامل افتخار، که بسیاری از کشورها حسرت نداشتن آن را می‌خورند، نه تنها از سوی جریان غربگرا انکار می‌شود بلکه این جریان با ساختن "دوگانه موشک یا معیشت" تلاش می‌کند تا به مردم این چنین القا کند که ملت باید بین موشک و معیشت یکی را انتخاب کنند، در واقع از منظر سازندگان چنین دوگانه‌ای موشک و اقتدار موشکی در تعارض با معیشت مردم است. ایجاد دو قطبی‌های کاذبی دیگری مثل دوگانه جنگ و صلح، دوگانه سرهنگ و حقوقدان، دوگانه اقتدارگرایی و مردم‌سالاری، دوگانه مخالفان آزادی و موافقان آزادی در همین راستای رقیب‌هراسی از طرف جریان غیر انقلابی غرب‌گرا تعریف می‌شود. آنچه غربگراها از سناریوی رقیب‌هراسی به آن دل خوش کرده‌اند، بروز خطای محاسباتی مردم در پای صندوق رأی است. اینکه مردم اولویت‌ها و شاخص‌های واقعی خود را برای انتخاب رئیس جمهور کنار بگذارند و به اشتباه به گزینه‌ای رأی بدهند که با شاخص‌های اصلی فاصله داشته اما مطلوب جریان غرب‌گرا باشد.

نظامی‌هراسی، بارزترین نمونه رقیب‌هراسی

نمونه‌ی دیگر رقیب‌هراسی که با هدف اغوای افکار عمومی کلید خورده است، مسئله حضور نظامیان در انتخابات است. جریان غیرانقلابی غرب‌گرا، روزنامه‌های زنجیره‌ای و شبکه‌های فعال‌شان در فضای مجازی یکی از مهم‌ترین شگردهای خود برای موفقیت در انتخابات ۱۴۰۰ را بزرگ‌نمایی خطر تشکیل دولت نظامیان دانسته‌اند. البته آنچه مد نظر آنان است به واقع سناریوی «سپاه‌هراسی» است و منظور ایشان از نظامیان، سپاهیان هستند. رسانه‌های بیگانه نیز در تقویت این سناریو وارد میدان شده و آنان نیز برای موفقیت و اثرگذاری این سناریو، آتش تهیه می‌ریزند.

اهداف سناریوی سپاه‌هراسی

جریان غرب‌گرا به دنبال این هستند که به افکار عمومی اینگونه القا کنند کشور در معرض قرار گرفتن در شرایطی است که دیپلماسی و گفتگو با جهان، کمرنگ می‌شود، سایه جنگ بر سر کشور می‌افتد، اقتدارگرایان به قدرت می‌رسند، آزادی‌های سیاسی اجتماعی کمرنگ می‌شود و فعالیت‌های آزاد اقتصادی نیز با محدودیت‌های فراوانی مواجه می‌گردد و این همه با قدرت یافتن گزینه نظامی تحقق خواهد شد.

ملاحظات سناریوی نظامی‌هراسی

در مواجهه با سناریوی نظامی‌هراسی باید به چند نکته و ملاحظه توجه داشت:

- (۱) در ادبیات علوم سیاسی ورود نظامیان به سیاست از آن جهت مذموم است که می‌تواند موجب تضعیف و کمرنگ شدن جایگاه مردم‌سالاری و حرکت به سمت توتالیتریسم شود. و این تنها در جایی است که نظامیان با حفظ ریاست مجموعه نظامی خود در جایگاه قدرت تکیه می‌زنند و به واقع قوه مجریه را به زیر مجموعه‌ای از ارتش تبدیل کنند و در نتیجه نظامی‌گری در کشور حاکم شده نهاد‌های جامعه مدنی تعطیل می‌شود و اقتدارگرایی حاکم می‌گردد و مردم‌سالاری به محاق می‌رود. دقیقاً همان مسیری که در شکل‌گیری دولت‌های کودتایی قابل تصور است که در حافظه تاریخی ملت ایران، حکومت رضاخانی نمونه بارز آن است.
- (۲) سناریوی نظامی‌هراسی که از سوی جریان غرب‌گرا طراحی و اجرا می‌شود در حقیقت مغالطه یکسان‌انگاری دولت نظامی و ریاست جمهوری شخصی است که روزگاری در کسوت نظامی در این کشور خدمت کرده است. در حالی که آنچه در ادبیات سیاسی نفی شده است،

تشکیل دولت نظامی و پیوند ساختاری ارتش و سیاست است.

(۳) مطابق قانون اساسی، داشتن سوابق نظامی گری مانعی برای نامزد شدن در عرصه انتخابات ریاست جمهوری نیست، لذا کسانی که شعار "انتخابات آزاد" را ابزاری برای کاسبی و کسب رأی کرده‌اند، خود با رویکردی فراقانونی و ضدیت با قانون، مانع حضور افراد و استعداد‌های مختلف در انتخابات می‌شوند.

(۴) در وِرای پروپاگانداي جریان غرب‌گرا، آنچه در خودِ غرب قابل مشاهده است، حضور فعال چهره‌های نظامی در عرصه سیاست است. بسیاری از ژنرال‌های کارکشته در پست‌های حساس و استراتژیک به کار گرفته می‌شوند تا منشأ اثر برای کشور خود باشند. چهره‌های شناخته‌شده‌ای مثل «کالین پاول» و «جورج کاتلند» به عنوان وزرای امور خارجه آمریکا، «آیزن‌هاور» سی‌وچهارمین رئیس‌جمهور آمریکا از جمله ژنرال‌های آمریکایی هستند که در عالی‌ترین سطح سیاست در این کشور نقش آفرینی کردند. جالب آن است که مقلدان غرب، در این زمینه لاپوشانی کرده و تلاش دارند تا نگذارند این جلوه از غرب آشکار شود.

(۵) علاوه بر اینکه رشد و پرورش ملت ایران مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب، آنان را از چنان خُریتی برخوردار کرده که حاضر نیستند به هیچ‌گونه استبداد و خودکامگی تن دهند؛ نظام جمهوری اسلامی آن‌چنان مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بنا نهاده شده است که امکان هرگونه اقتدارگرایی و توتالیتریسم را بر هر جریان یا فردی بسته است. وجود دستگاه‌های نظارتی همچون شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضا، دستگاه‌های امنیتی بیرون از اختیارات قوه مجریه و بالاتر از همه، وجود دو رکن اساسی جمهوریت (حضور ملت در صحنه) و اسلامیت (رهبری ولیّ فقیه)، مؤلفه‌هایی هستند که هرگونه یکه‌تازی و خودکامگی را بسته است، خواه این استبداد با لباس نظامی جلوه‌گر شود، خواه با لباس‌های دیگر.

(۶) آنچه همه کارشناسان منصف داخلی و خارجی بر آن اذعان و اعتراف دارند، آن است که ایران دارای سه اهرم اقتدار فن‌آوری هسته‌ای، قدرت موشکی، حضور منطقه‌ای (عمق استراتژیک) است. سرآمد و نماد هر کدام از این اقتدارهای سه‌گانه نیز، سه سردار شهید سپاه پاسداران، شهیدان «فخری‌زاده»، «تهرانی مقدم»، و سردار دل‌ها «حاج قاسم سلیمانی» هستند. آنچه جریان غیرانقلابی غرب‌گرا را به وا همه و هراس انداخته و به عملیات‌های روانی‌ای مثل نظامی‌هراسی واداشته است، تکمیل این سه اقتدار با بُعد چهارم، یعنی «اقتصاد قوی» توسط یک پاسدار دیگر است. #